

## صلح روا و ناروا

حجت الاسلام والمسلمین محمد صادق یوسفی مقدم \*

### اشاره

از موضوعات مهمی که امروز و پس از تهاجم صهیونیسم و آمریکا به کشور جمهوری اسلامی ایران مطرح است بحث از صلح با دشمن است. از این رو در این مقاله کوتاه با بیان مفهوم شناسی صلح، جایگاه صلح در قرآن کریم، صلح روا و شایسته و صلح ناروا و ناشایسته بررسی شده است و به این نتیجه رسیده است که افزون بر شایسته و بایسته بودن صلح با مؤمنان، صلح با اهل کتاب و جوامع لائیک که قصد جنگ و آسیب رساندن به مسلمانان را ندارند نیز امری شایسته و رواست و در پایان بایستگی‌های صلح را بررسی کرده است.

### مفهوم شناسی صلح

صلح ضد «فساد»<sup>۱</sup>، در لغت به معنای آشتی<sup>۲</sup>، اصلاح با دور کردن و سلامت چیزی از فساد است<sup>۳</sup> و در دانش سیاسی، به معنای آرامش و امنیت جامعه از طریق ایجاد روابط عادی با سایر دولت‌هاست.

### جایگاه صلح در قرآن کریم

قرآن کریم در راستای تحقق زندگی مسالمت آمیز در جوامع بشری افزون بر واژه صلح از

---

\* دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۴۸۹ و محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۵۱۶.

۲. محمد بن محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۴، ص ۱۲۵.

۳. حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۶، ص ۲۶۵.

واژگانی مانند: «سِلِّمْ» «وَأَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ»<sup>۱</sup>، «عهد» «فَاتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ»<sup>۲</sup> «میثاق» «قَوْمَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ»<sup>۳</sup>. این واژگان هر چند از برخی جهات با یکدیگر متفاوت اند ولی با واژه «صلح» متشابه و قریب المعنا هستند.

خداوند در آیه ۱۲۸ سوره نساء صلح را امر خیری بر شمرده «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» و می توان گفت که مطالبه صلح امری مطلق و موافق فطرت انسان است و آیاتی با مفهوم وجوب قتال با مشرکان «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ»<sup>۴</sup> اطلاق ندارند و الف و لام در «الْمُشْرِكِينَ» برای عهد بوده و شامل کسانی می شود که همواره با رسول خدا نقض پیمان می کردند. بر این اساس آیات مطلق قتال با مشرکین، مقید به صورت تعرض آنان به مسلمانان است. همچنین نقض صلح در شرائطی که دشمن اقدامی علیه مسلمانان نکرده نه تنها جایز نیست بلکه از منظر قرآن کریم پیروی از گام های شیطان است و در آیه ۲۰۸ سوره بقره مؤمنان را از آن بر حذر داشته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» در این صورت تفرقه و اختلاف پیروی از شیطان و در برابر صلح است.<sup>۵</sup>

### صلح روا و شایسته

می توان گفت که صلح در قرآن کریم به دو دسته شایسته یا روا و ناشایسته یا ناروا تقسیم و صلح شایسته شامل سه گروه می شود.

۱. مؤمنان: آیات بسیاری بر شایستگی صلح و زندگی مسالمت آمیز میان مؤمنان تاکید دارد از جمله در آیه ۱۰ سوره حجرات می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ».

۲. اهل کتاب: گروه دومی که قرآن صلح و زندگی مسالمت آمیز با آنان روا و شایسته دانسته است اهل کتاب است. چنانکه در آیه ۶۴ سوره آل عمران آن را چنین بیان کرده است. «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ».

۱. نساء، ۹۰ و ۹۱.

۲. توبه، ۴.

۳. نساء، ۹۰.

۴. توبه، ۵.

۵. محمدجواد مغنیه، التفسیر الکاشف، ج ۱، ص ۳۱۱.

۳. **جوامع لائیک:** گروه سومی که صلح با آنان شایسته و رواست کافران و جوامعی است که به هیچ دینی اعتقاد نداشته و در اصطلاح از آنان به عنوان لائیک یاد می‌شود. صلح با این گروه که قصد جنگ و آسیب رساندن به مسلمانان را ندارند امری شایسته و رواست. از این رو می‌توان مدعی شد که اطلاق آیاتی مانند آیه ۹۰ سوره نساء مسلمانان را به شایستگی صلح با آنان کرده: «فَإِنْ اعْتَرَلَوكُمْ فَلَمْ يُقْتِلُوكُمْ وَ أَلْفَوْا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» نیز آیاتی مانند آیه ۶۱ انفال «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا» و آیه ۸ سوره ممتحنه «لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» بر شایستگی صلح با آنان دلالت دارد. هر چند در اینکه پیشنهاد صلح از جانب کافران یا مسلمانان باشند اختلاف نظر است.<sup>۱</sup>

### صلح ناروا و غیر شایسته

از منظر قرآن کریم صلح با دو گروه ناروا و غیر شایسته است،

۱. گروه اول کافرانی هستند که با جنگ طلبی در مقام ضربه زدن به اسلام و مسلمانان هستند بدیهی است صلح با آنان شایسته نیست و بر اساس آیه ۱۹۰ سوره بقره مسلمانان وظیفه دارند با آنان بجنگند: «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ». در این شرائط پذیرش صلح ناروا و به تعبیر امروز صلح تحمیلی است که مورد قبول قرآن، عقل و عقلاء نیست.

۲. گروه دومی که صلح با آنان شایسته نیست کافرانی هستند که پس از صلح و میثاق، پیمان خود را شکسته و از پایبندی به عهد و پیمان خود طفره رفته و آن را نقض کرده‌اند. ناروائی چنین صلحی از آیه ۱۲ سوره توبه قابل استفاده است. این آیه یکی از عوامل از میان رفتن صلح و سازش را پایبند نبودن پیشوایان کفر به پیمان دانسته و مؤمنان را به دلیل نقض آنان به جنگ با آنان فرمان داده است: «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ». هر چند در اینکه مراد از پیشوایان کفر، سران کفر<sup>۲</sup> یا همه کافران است اختلاف نظر

۱. سید علی خامنه‌ای، ثلاث رسائل فی جهاد الامان و الصائبه و المهادنه، ص ۲۷۱.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۷.

است. ۱. نیز آیات ۱۳ و ۱۴ بر همین مطلب دلالت دارد «أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ... قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يَخْزِيهِمْ وَ يُنْصِرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ»

### بایستگی‌های صلح

از نگاه قرآن کریم برخی از ویژگی‌ها لازم و بایسته است که در مقام صلح باید مورد توجه قرار گیرد.

۱. نخست اینکه افزون بر اینکه صلح باید از مصلحت و حکمت برخوردار باشد، از منظر قرآن مسلمانان در صورت برخورداری از برتری نباید پیشنهاد کننده صلح باشند این مطلب از آیه ۳۵ سوره محمد قابل استفاده است: «فَلَا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَغْمَالُكُمْ».

۲. یکی از بایستگی‌های صلح بر اساس آیه ۹ سوره حجرات رعایت عدالت در انعقاد صلح است: «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».

در اینکه در صلح مطالبه خون‌ها و مال‌های از دست رفته نشود تا مانع صلح و سبب اختلاف نشود<sup>۲</sup> یا اینکه عدالت آن است که خون‌های ریخته شده و اموال تضییع شده جبران شوند،<sup>۳</sup> اختلاف نظر است.

۳. به نظر می‌آید مرجع تشخیص مصلحت در صلح و همچنین تشخیص و عدم تشخیص مطالبه جبران خون‌های ریخته شده و اموال تضییع شده با حاکم اسلامی است و قانون اساسی جمهوری اسلامی این مرجع را ولی فقیه جامعه دانسته است. از این رو باید گفت یکی دیگر از بایستگی‌های صلح توجه به اذن امام و حاکم اسلامی است. بر همین اساس بسیاری از فقیهان، جواز و عدم جواز انعقاد صلح را با تصمیم حاکم اسلامی می‌دانند.<sup>۴</sup>

۱. همان.

۲. محمد بن عبدالله ابن عربی، احکام القرآن، ج ۴، ص ۱۵۲؛ محمد بن احمد قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۳۱۹؛ یحیی بن شرف نووی، المجموع شرح المذهب، ج ۱۹، ص ۲۰۹.

۳. اسماعیل بن عمر ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۵۰؛ زین الدین بن علی شهید ثانی، مسالک الأفهام، ج ۲، ص ۳۶۲.

۴. حسن بن یوسف علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۹، ص ۸۶؛ یحیی بن شرف نووی، المجموع شرح المذهب، ج ۱۹، ص ۴۴۲؛ زین الدین بن علی شهید ثانی، مسالک الأفهام، ج ۲، ص ۳۴۵.

## فهرست منابع

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار الصادر، ۱۴۱۴ق.
۳. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، چاپ اول، بیروت: دار الکفر، ۱۴۱۴ق.
۴. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵ش.
۵. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۷۸م.
۶. خامنه‌ای، سید علی، ثلاث رسائل فی جهاد الأمان و الصائبه و المهادنه، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷ش.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۸. ابن عربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، بررسی و تعلیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م.
۹. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۰. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر ابن کثیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۱۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۱۲. نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المذهب، تحقیق و تصحیح: لجنة من العلماء، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۱۳. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسالک الأفهام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، بی‌تا.